

مقام معظم رهبری

در قم باید درس‌های خارج استدلالی، مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد

گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری

استفاده است. این کار بایستی انجام بگیرد، ما این را لازم داریم. محصول این کاوش‌های عالمانه می‌تواند در معرض استفاده ملت‌ها و نخبگان دیگر کشورها هم قرار بگیرد. آن چیزی که می‌تواند به کشورها کمک کند، تفکر مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی که ابتکار امام بزرگوار ماست، می‌تواند نسخه‌ای برای همه‌ی این کشورها باشد؛ هم مردم‌سالاری است، هم از متن دین برخاسته است.

۱۳۹۰/۶/۱۷

درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نو به نو را که هی برای ما دارد پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد؛ بعد این بحث‌ها می‌آید دست روشن‌فکران و نخبگان گوناگون دانشگاهی و غیر دانشگاهی، اینها را به فرآورده‌هایی تبدیل میکنند که برای افکار عموم، برای افکار دانشجویان، برای افکار ملت‌های دیگر قابل



در عین حال مسائل جدیدی وجود دارد. در زمینه اقتصاد، مسائل تازه‌ای وجود دارد. مثلاً ما بانکداری اسلامی را به وجود آورده‌ایم. امروز مسائل تازه‌ای در زمینه پول و بانکداری وجود دارد؛ اینها را بایستی حل کرد؛ باید اینها را در بانکداری اسلامی - بانکداری بدون ربا - دید. چه کسی باید اینها را انجام بدهد؟ فقه متکفل این چیزهاست. البته من همین‌جا عرض بکنم که نیاز ما به کرسی‌های بحث آزاد فقهی در حوزه‌ی قم - که مهمترین حوزه‌هاست - برآورده نشده است. در قم باید

امروز کشور ما از لحاظ پیشرفت علمی، از لحاظ پیشرفت فناوری، از لحاظ آگاهی‌ها و پختگی‌های سیاسی، از لحاظ پیدا کردن راه و رسم‌های گوناگون در نهادهای مختلف - نهادهای اقتصادی و غیره - با اوائل انقلاب قابل مقایسه نیست؛ ما خیلی پیشرفته‌تریم؛ در عین حال اصول را هم حفظ کردیم. اگر جایی از اصول کوتاه گذاشته باشیم، باید از آن توبه کنیم. از اصول بنیادینی کم گذاشت. همچنین باید بدانیم نصرت الهی هم بسته‌ی به همین است که ما این مبانی و اصول را حفظ کنیم.

استاد مهدی مشکي

قوام حکومت اسلامی به اعمال نظرات ولی الهی است

خوانند، روزه گرفت، خمس داد، زکات داد، اما ولایت ولی الهی را نپذیرفت، می‌گویم این فرد اصلاً اسلام واقعی را ندارد. مسلمان واقعی نیست. این را در بحث حکومت اسلامی هم می‌آوریم. یعنی اگر راس حکومت کسی باشد که از جانب خداوند نصب نشده اما فرضاً اسلام را پیاده کند، احکام اسلام را جاری کند، ما می‌گویم این از جانب خداوند نصب نشده، خدا هم این را قبول ندارد. ما می‌گویم این حاکم اسلامی نیست و نتیجه حکومت اسلامی هم نیست. در اما از آن طرف اگر یک فردی از جانب خداوند نصب شده و رأس



به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، استاد مهدی مشکي، عضو هیئت علمی مؤسسه، در گفتگو با قیس به بررسی معانی فقه حکومتی و تبیین جایگاه ولایت فقیه در چنین حکومتی، پرداخت.

اصطلاح «فقه حکومتی» را چگونه باید تعریف کرد و چه معنایی را می‌توان از این اصطلاح به‌دست آورد؟

فقه حکومتی را اول باید تعریف کنم چون یک اصطلاح است که این اصطلاح را می‌توان سه معنا کرد:

۱. در یک معنایی که مرسوم است؛ منظور از فقه حکومتی فقهی است که مشکلات عملی حکومت را حل می‌کند، یعنی بیشتر به مسائلی می‌پردازد که «حکومت در حوزه عمل» با آن درگیر است. در این تعریف مراد از فقه حکومتی فقهی است که مشکلاتی که حکومت در مسائل اجتماعی با آن درگیر است مانند ربا، بانک و... را حل می‌کند و فقیه به‌جای بحث‌های فقهی رایج، سراغ مسائلی می‌رود که حکومت به آن نیاز دارد. این یک معنایی است که می‌گویند فقه، حکومتی شود.

۲. یک معنای دیگری وجود دارد که نگاه حکومتی به فقه پیدا شود یعنی فقه به‌جای این که به مسائل از نگاه فردی و جزئی نگاه کند، با دید کلان نگاه کند. یعنی مثلاً اگر می‌گوید که انسان یا مردم باید این‌طور رفتار یا زندگی کنند، ببیند که از نگاه کلان و جامع و حتی نگاه جهانی و بین‌المللی این اصلاً امکان دارد یا ندارد و اگر امکان دارد باید چه‌طور حل و فصل شود. این هم تقریباً اصطلاح یا تعریف دیگری برای فقه حکومتی می‌باشد. یعنی فقهی که نگاهش نگاه جهانی و حکومتی است. «کلنی‌نگر است نه جزئی‌نگر و فردی»

۳. اما یک تعبیر سوم برای فقه حکومتی می‌شود داد که به نظر بنده مربوط به بحث ولایت فقیه می‌شود. در این اصطلاح «ابتدا باید حکومت اسلامی را تعریف کنیم که اصلاً حکومت اسلامی یعنی چه؟ بعد ارتباط حکومت اسلامی با فقه ببینیم چه هست.» در نظر سوم به نظر می‌رسد

حکومت قرار گرفته، اما بعضی مواقع نمی‌تواند احکام را پیاده کند، دستش بسته است. شرایط اقتضا نمی‌کند این احکام را جاری کند ما طبق نگاه دوم این حکومت را حکومت اسلامی می‌نامیم.

ایا دوام و قوام حکومت اسلامی به نظرات ولی فقیه مربوط می‌شود؟

قوام حکومت اسلامی به اعمال نظرات ولی الهی است. در این تشخیص و اعمال نظرات ولی الهی، یک موقع اقتضا جاری می‌شود و یک موقع شرایط اقتضا می‌کند جاری نشوند. بنابراین وقتی فقه حکومتی می‌گویم به این معنا می‌شود که فقه یا آن احکام اسلامی است که در اعمال ولایتش نمی‌بندد. یعنی ولی می‌گوید من الآن تشخیص می‌دهم این کار به مصلحت اسلام است و باید انجام بگیرد، در اینجا احکام فرعی دست ولی را نمی‌بندد. فقه حکومتی فقهی است که فقه تابع اعمال و تشخیص ولی است برای مصلحت اسلام. اینجا فقه تابع آن می‌شود. نه این که ولی تابع فقه شود و زیرمجموعه فقه شود. شما در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی دارید که چراغ قرمز است باید ایستاد، چراغ سبز را باید رفت، اما تشخیص اجرای این احکام به‌عهده پلیس است. اگر پلیس گفت چراغ قرمز را باید رد کنی باید رد کنی. آن که ملاک اصلی در خود اداره و حتی اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی است، پلیس است. قوانین راهنمایی و رانندگی هیچ‌موقع دست پلیس را نمی‌بندد. در فقه حکومتی تشخیص ولی حرف اول را می‌زند.

آیت الله اراکی

اصول کلی حقوق اقلیت‌های دینی از منظر فقه اسلامی

با مجموع خمس و زکاتی بوده است که مسلمانان به آن مکلف می‌شوند، لذا جزیه یک تکلیف مالی برای اهل کتاب در مقابل خمس و زکات است و در نتیجه اقلیت‌های دینی در الزامات مالی شریک مسلمین هستند و الزام مالی آنها نه به عنوان خمس و زکات بلکه به عنوان جزیه مطرح می‌شود.

آیت الله اراکی با اشاره جوسازی‌هایی که علیه اسلام به خاطر جزیه می‌شود، ادامه داد: این سخنان و جوسازی‌ها بی مورد است و جزیه در واقع یک تکلیف مالی است در برابر تکلیف مالی که مسلمانان تحت عنوان خمس و زکات بر عهده دارند و حتی با توجه به روایات میزان آن نیز توسط حاکم شرع با توافق طرف مقابل و بنابر مصلحت عمومی مشخص می‌شود.

وی به بیان ضابطه دیگری در خصوص اقلیت‌های دینی در فقه اسلامی پرداخت و ادامه داد: ادراحوال شخصیه مانند ازدواج، ارث و وصیت نیز اهل کتاب ملزم به اجرای احکام اسلامی نیستند و لذا می‌توانند دادگاه مدنی خاص داشته باشند تا صدور حکم بر طبق شریعت خودشان صورت گیرد، البته حق مراجعه به دادگاه‌های اسلامی هم دارند، یعنی از یک امتیازی بالاتر از مسلمانان نیز در این مسأله برخوردارند.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم ادامه داد: ضابطه دیگری که هر چند مخصوص اهل کتاب نیست، اما ثمره آن در اهل کتاب نیز ظاهر می‌شود، این است که هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید تعرضی به حریم شخصی آنها بکند و اگر در حریم شخصی آنها رفتاری شود که با موازین دینی اسلام منطبق نباشد، در حکومت اسلامی کسی حق ندارد متعرض آنها شود. البته به شرط اینکه حریم خصوصی باشد و در مأل عام نباشد.

آیت الله محسن اراکی در خصوص تکالیف اهل کتاب نیز با اشاره به قاعده کلی «لهم ما لنا و علیهم ما علینا» گفت: اهل کتاب باید به قوانین اسلامی در مجامع عمومی ملزم باشند و پذیرش اهل کتاب در جامعه اسلامی مجوز این نیست که قوانین اسلامی را در مجامع عمومی رعایت نکنند.



ایست که به او در برابر دیگران می‌بخشد. ایشان در تبیین کلیات و ضوابط حقوق اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی اشاره کرد و گفت: با توجه به این ضوابط و قواعد کلی می‌توان حقوق اقلیت‌ها در همه موارد جزئی را مشخص کرد. آیت الله اراکی با اشاره به روایاتی عام‌ترین ضابطه حقوق اقلیت‌های دینی را «لهم ما لنا و علیهم ما علینا» دانست و ادامه داد: این قاعده، یک اصل کلی برای حقوق اقلیت‌های دینی است و بر طبق آن، اقلیت‌های مذهبی همه حقوق مسلمانان را دارا هستند و به همه تکالیف و الزامات مسلمانان نیز مکلف هستند و اگر قرار باشد از برخی حقوق و تکالیف استثناء شوند، باید دلیل خاص داشته باشیم.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم ضابطه دوم را عدم الزام اهل کتاب به عبادات اسلامی دانست و خاطر نشان کرد: وجه عدم الزام آنها، عدم تحقق امتثال امر از سوی آنان است، چرا که تا اعتقاد به وجوب نداشته باشند، امتثال امر از آنها ممکن نیست.

وی ادامه داد: اهل کتاب در الزامات مالی همچون خمس و زکات نیز مکلف نمی‌شوند، چرا که پرداخت خمس و زکات نیز به عنوان امتثال امر الهی از سوی مسلمانان صورت می‌گیرد که این امتثال در حق آنها امکان ندارد، چرا که اعتقادی به وجود چنین امری از طرف پروردگار ندارند و امتثال فرع بر وجود امر الهی است. ایشان با بیان اینکه جزیه در حقیقت جایگزین خمس و زکات است و مقدار آن به دست ولایت امر است، به تعدادی از روایات در این باب اشاره و خاطر نشان کرد: میزانی که در روایات برای جزیه معرفی می‌شده است، تقریباً برابر

به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به نقل از تبیین، حضرت آیت الله اراکی در نشست علمی «حقوق اقلیت‌های دینی در فقه اسلامی» به تشریح حقوق اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی پرداختند.

آیت الله اراکی در نشست علمی «حقوق اقلیت‌های دینی در فقه اسلامی» خاطر نشان کرد: با توجه به روایات مراد از دین در فقه اسلامی، راه و روشی است که از سوی پیامبری که نبوتش ثابت شده و دارای کتاب است، بیان شده باشد. اگر چه در شکل فعلی اش مقبول اسلام نباشد و احکام آن از نظر اسلام نسخ شده یا تحریف شده باشد.

آیت الله اراکی با اشاره به اینکه دروغ و باطل مبنای حق نیست، ادامه داد: ما معتقد نیستیم که صرف اینکه فردی به چیزی اعتقاد دارد، محترم است، چرا که عقیده‌ای که بطلان آن ثابت باشد، قابل احترام نیست و اصلاً بر مبنای دروغ، حقی پدید نمی‌آید. چرا که در این صورت هرکس بخواهد ادعا کند و خودش را پیامبر بداند باید محترم شمرده شود و یا مثلاً اگر کسی به دروغ خود را صاحب خانه‌ای بداند، باید محترم شمرده شود، لذا طبق فقه اسلامی اگر دین بوهن و از سوی خدا بودن یک اعتقاد ثابت شد، در جامعه اسلامی مورد احترام است، ولو اینکه از نظر اسلام مردود شده باشد.

وی ادامه داد: آن دسته از انسان‌هایی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند و معتقد به چنین دینی هستند، اقلیت دینی هستند، لذا بر این مبنا یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان جزء اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی به شمار می‌روند. استاد درس خارج حوزه علمیه با اشاره به روایات متعددی ادامه داد: روایاتی در خصوص بوداییان وجود دارد که اگر بتوان با ضمن آنها به یکدیگر و با قرائت صحیحشان را اثبات کرد، می‌توان به اهل کتاب بودن بوداییان نیز باور داشت.

وی با اشاره به معانی مختلف حقوق نیز ابراز داشت: در این بحث حقوق به معنای امتیازی است که قانون برای فرد در برابر دیگران قائل می‌شود و توانایی و سلطه